

دانشگاه تهران
دانشکده اقتصاد

پژوهشی در

**مبانی اقتصادی سیاستگذاری عدالت
در اندیشه و سیره حکومتی امام علی (ع)**

نگارش: زهرا اتابکی
استاد راهنما: دکتر حسن سبحانی
استاد مشاور: دکتر حمید ابریشمی

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
در
رشته توسعه اقتصادی و برنامه‌ریزی

بهمن ۱۳۸۷

تقدیم به

حاکمی

که مردم رفتار حکمرانان خود را

با سیره وی می‌سنجند

و نامش پس از قرن‌ها، طنین عدالت است.

چکیده

در مطالعه حاضر آراء و سیره حکومتی امام علی (ع) به عنوان امامی معصوم و رهبر یک نظام سیاسی اسلامی پیرامون مسأله عدالت تبیین شد. همچنین با توجه به دو مفهوم بنیادین «حکومت» و «عدالت» و با بهره‌گیری از کلام امام علی (ع) - که سیره حکومتش در کنار سیره پیامبر تنها تجارب عملی حکومت معصومان و قابل استناد از نظر شیوه عملکرد معصومین در رأس حکومت برای برقراری عدالت است - به تبیین برخی از وجوه عدالت در پرتو کلام امام و شیوه‌های اجرای عدالت و سیاستگذاری اقتصادی عدالت در حکومت ایشان پرداخته شده است.

از واکاوی مفهوم عدالت در اندیشه متفکران مسلمان و غیر مسلمان در مجموع می‌توان گفت اغلب متفکران به طور نسبی بر روی وجوه مشخصی از عدالت توافق کلی داشته‌اند؛ هر چند تفاوت‌هایی نیز در آراء آنان وجود دارد.

بر پایه این تحقیق، رویکرد امام علی (ع) به عدالت به کارکردهای اقتصادی و سیاسی و اجتماعی این مفهوم باز می‌گردد. در اندیشه و سیره ایشان، عدالت مهمترین اصل اداره امور و معیار همه چیز می‌باشد و جز بدان نمی‌توان به اهداف دولت اسلامی و فراهم کردن زمینه تعالی فرد و جامعه دست یافت؛ و به زعم ایشان به معنای برابری، رعایت حقوق و رعایت شایستگی‌هاست؛ هر کس از هر چیز به همان اندازه که حق اوست و شایسته آن و مستحق آن است برخوردار شود.

چارچوب کلی الگوی اجرایی عدالت در دیدگاه امام علی (ع) بوسیله استخراج ابزارهای سیاستی و اهداف حکومت ایشان مشخص گشته است. بدین معنی که اهداف و ابزارهای سیاستهای اقتصادی

حکومت امام (ع) در قالب یک سیستم نظام‌مند تقسیم‌بندی و مورد تحلیل قرار گرفت و نشان داده شده است که آن حضرت بعد از به حکومت رسیدن با توجه به شرایط جامعه - نابرابری، تبعیض و اختلافات شدید طبقاتی - سیاستهایی در جهت سوق دادن جامعه به سوی عدالت اتخاذ نموده‌اند. از مهمترین اهداف سیاستهای اقتصادی امام عدالت، رشد اقتصادی، بهبود توزیع درآمد و ثروت، تأمین نیازهای عمومی و بهبود الگوی مصرف می‌باشد که آن حضرت برای رسیدن به این اهداف ابزارهایی اعم از ابزارهای مالی و ابزارهای مربوط به کنترل‌های مستقیم دولت را اعمال نموده‌اند.

پیشگفتار

مفهوم عدالت در حوزه‌های مختلف علوم انسانی از قبیل فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد، سیاست و اخلاق مورد مطالعه بوده است. در علم اقتصاد عدالت موضوع اصلی اقتصاد هنجاری است و در قالب مباحثی چون توزیع درآمد، برابری، توسعه و ... مطرح شده است.

اسلام به عنوان مکتب جامع الهی، نگاهی اصیل به عدالت داشته و برقراری آن را جزء اهداف خود جهت سعادت‌مندی بشر برمی‌شمارد؛ در همین راستا، قرآن کریم هدف بعثت انبیاء را اجرای عدل در جامعه بشری می‌داند؛

دستیابی به عدالت، جزء مهمترین آرمانهای بشری بوده است. با توجه به اجتماعی بودن انسان که در چارچوب یک نظام اجتماعی زندگی می‌کند؛ برای رسیدن به عدالت، باید نظام اجتماعی عادلانه‌ای حاکم باشد. به بیان دیگر اگر حکومتی عادلانه باشد خواهد توانست زمینه‌های رسیدن جامعه به سوی عدالت را فراهم کند. حکومت با سیاست‌هایی که اتخاذ می‌کند ابزارهایی در اختیار دارد که می‌تواند از آنها در راستای سوق دادن جامعه از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب - اهداف - کمک بگیرد. برای درک مفهوم عدالت و مصادیق آن و راه‌های نیل و چگونگی برقراری عدالت در جامعه و ویژگی‌های حکومت عادلانه و حاکم عادل و نیز رابطه میان حصول عدالت و سیاستهای حکومت احتیاج به شناخت دقیق واژه «عدالت» و نیز ملزومات آن در جامعه و حکومت است.

در این رساله نگرش امام علی(ع) در خصوص عدالت مورد بررسی قرار می‌گیرد. رویکرد ایشان به مسائل مختلف به جهت ویژگی‌های منحصر به فرد شخصیتی آن حضرت به عنوان یک امام معصوم که علاوه بر برخورداری از مقام عصمت، در مکتب رسول الله نیز پرورش یافته و دیدگاهی جامع و عمیق پیرامون مسائل مختلف اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارند و نیز با توجه به مسئولیت رهبری و خلافت که امام عهده‌دار بودند از جایگاه ممتازی برخوردار است. به طوری که می‌توان گفت اندیشه و سیره حکومتی امام علی(ع) یکی از بهترین، کامل‌ترین و متقن‌ترین الگوهای شیوه حکمرانی است. که می‌توان از آن برای حل مسائل و مشکلات در حوزه‌های مختلف اقتصاد، سیاست، حقوق و ... بهره گرفت. نکته حائز اهمیت در اینجا این است که یکی از مفاهیمی که در اندیشه و سیره حکومتی امام علی(ع) از جایگاه بسیار ویژه‌ای برخوردار است - تا جایی که طبق قول امام(ع) دلیل قبول حکومت از جانب آن حضرت و نیز مهمترین هدف حکومت ایشان تلقی

می‌گردد- مفهوم عدالت می‌باشد. یک بررسی مقدماتی و اجمالی از بیانات آن حضرت که در منابع مختلف خصوصاً نهج‌البلاغه گردآوری شده؛ به وضوح دقت نظر و توجه ایشان را به مسأله عدالت نشان می‌دهد.

در این پژوهش سعی می‌شود که با توجه به دو مفهوم بنیادین «حکومت» و «عدالت» و با بهره‌گیری از کلام امام علی (ع) و سیره حکومتی ایشان به تبیین برخی از وجوه عدالت در پرتو کلام آن حضرت و شیوه‌های اجرای عدالت و سیاستگذاری اقتصادی عدالت در حکومت ایشان پرداخته شود.

مطالعه حاضر به شیوه تحلیل محتوا صورت گرفته و اغلب بر مباحث اقتصادی تمرکز دارد و سعی دارد آراء و سیره حکومتی امام علی (ع) را به عنوان امامی معصوم و رهبر یک نظام سیاسی اسلامی و نه یک متفکر اقتصاد پیرامون مسأله عدالت تبیین کند. قابل ذکر است این مطالعه به هیچ وجه مدعی نیست که تمام و کمال توانسته آراء و سیره حکومتی امام علی (ع) را حلاجی کند؛ تحقیق حاضر اولین مطالعه در خصوص بررسی عدالت علوی نبوده و آخرین هم خواهد بود. اما به هر حال گامی بسیار کوچک در باب این مسأله پر اهمیت می‌باشد؛ که مطمئناً عاری از عیب و نقص نیست.

تقدیر و تشکر

سپاس آفریننده قلم را که بدان سوگند یاد می‌کند و هیچ کاری بدون لطف و اراده و یاری او سرانجامی نخواهد داشت.

بر خود لازم می‌دانم تا از زحمات اساتیدی که بدون همراهی شان انجام این تحقیق ممکن نبود، جناب آقای دکتر ابریشمی مشاور محترم پایان نامه و جناب آقای دکتر عباسی نژاد داور محترم این پایان نامه و به ویژه استاد راهنمای محترم جناب آقای دکتر سبحانی که در تمامی مراحل در جهت بالا بردن کیفیت مطالب با بردباری بسیار از هیچ کمکی کوتاهی نکردند، قدردانی نمایم.

همچنین از تمامی عزیزانی که در طول دوران تحصیلی و نگارش پایان نامه، از کمک به من دریغ نکردند، خصوصاً پدر و مادر مهربانم و نیز همسرم به خاطر شکیبایی و تحملی که داشته‌اند؛ سپاسگذارم.

فهرست

عنوان صفحه

فصل اول: کلیات و مفاهیم..... ۱

۱. ۱. بیان مسأله..... ۲
۲. ۱. ضرورت تحقیق..... ۷
۳. ۱. سوالات تحقیق..... ۸
۴. ۱. روش‌ها و فنون اجرای طرح..... ۹
۵. ۱. پیشینه تحقیق..... ۹

فصل دوم: مفهوم و ماهیت عدالت در اندیشه متفکران ۱۶

۱. ۱. عدالت از دیدگاه متفکران غیر مسلمان..... ۱۶
۲. ۱. ۱. افلاطون..... ۱۶
۲. ۱. ۲. ارسطو..... ۱۸
۲. ۱. ۳. توماس هابز..... ۱۹
۲. ۱. ۴. ژان ژاک روسو..... ۲۱
۲. ۱. ۵. فردریک فون هایک..... ۲۲
۲. ۱. ۶. جان رالز..... ۲۳
۲. ۱. ۷. رابرت نوزیک..... ۲۶
۲. ۱. ۸. آمارتیا سن..... ۲۷
۲. ۲. عدالت از دیدگاه متفکران مسلمان..... ۳۱
۲. ۲. ۱. ابونصر محمد فارابی..... ۳۱
۲. ۲. ۲. ابوحامد محمد غزالی..... ۳۳
۲. ۲. ۳. ابن خلدون..... ۳۴
۲. ۲. ۴. سیدقطب..... ۳۵
۲. ۲. ۵. محمد باقر صدر..... ۳۷
۲. ۲. ۶. مرتضی مطهری..... ۴۰
۲. ۲. ۷. سید نواب حیدر نقوی..... ۴۳

فصل سوم : عدالت در دیدگاه امام علی(ع)..... ۴۷

۴۷	۱. اهمیت عدالت نزد امام علی (ع).....
۵۱	۲. آثار عدالت در دیدگاه امام علی(ع).....
۵۳	۳. عدم تحمل اجرای عدالت علوی.....
۵۴	۴. وجوه و معانی عدالت.....
۵۴	۳. ۴. ۱. عدالت به معنای مساوات.....
۵۵	۳. ۴. ۱. ۱. تساوی در برابر قانون.....
۵۵	۳. ۴. ۱. ۲. تساوی در برابر بیت‌المال.....
۵۵	۳. ۴. ۱. ۳. تساوی در برخورداری از امنیت اجتماعی.....
۵۶	۳. ۴. ۲. عدالت به معنای رعایت حقوق.....
۵۷	۳. ۴. ۳. عدالت به معنای رعایت شایستگی ها و استحقاق ها.....
۵۹	۵. عدالت برتر از مصلحت.....
۶۰	۳. ۵. ۱. تقسیم بیت‌المال.....
۶۰	۳. ۵. ۲. عزل و نصب کارگزاران.....
۶۱	۳. ۶. عوامل تحقق عدالت.....
۶۱	۳. ۶. ۱. قانون عادلانه.....
۶۱	۳. ۶. ۲. حاکم عادل.....
۶۲	۳. ۶. ۳. مردم عدالتخواه.....
۶۳	۳. ۷. اسوه بودن حاکم در عدالت.....
۶۵	۳. ۸. موانع عدالت.....
۶۵	۳. ۸. ۱. عدم شناخت و عدم مراعات حقوق.....
۶۶	۳. ۸. ۲. تبعیض.....
۶۶	۳. ۸. ۳. سودجویی.....
۶۷	۳. ۸. ۴. امتیاز خواهی.....
۶۹	۳. ۸. ۵. ضعف نفس و سستی مردم.....
۶۹	۳. ۸. ۶. فساد سیستم اداری.....

فصل چهارم: تحلیل اجتماعی – اقتصادی جامعه مسلمین قبل از حکومت امام علی ۷۲

۷۳	۴. ۱. دوره ظهور اسلام و زندگانی پیامبر اکرم (ص).....
۷۵	۴. ۲. پس از رحلت پیامبر.....
۷۶	۴. ۲. ۱. دوران خلیفه اول.....
۷۷	۴. ۲. ۲. دوران خلیفه دوم.....
۸۲	۴. ۲. ۳. دوران خلیفه سوم.....
۸۲	۴. ۲. ۳. ۱. انحراف اقتصادی.....
۸۵	۴. ۲. ۳. ۲. انحراف سیاسی.....

۸۷ ۴. ۳. ۲. ۳. انحراف اجتماعی
۹۲ ۴. ۳. ۲. ۴. انحراف فرهنگی
۹۳ ۴. ۳. ۲. ۵. نارضایتی مردم از عملکرد خلیفه سوم و کشته شدن وی
۹۴ ۴. ۲. ۴. به حکومت رسیدن امام علی (ع)

فصل پنجم: مبانی سیاستگذاری اقتصادی از دیدگاه امام علی (ع)..... ۹۷

۹۷ ۵. ۱. سیاست اقتصادی
۹۸ ۵. ۱. ۱. حاملان سیاست اقتصادی
۹۸ ۵. ۱. ۲. مراحل تنظیم و اعمال سیاستهای اقتصادی
۹۹ ۵. ۱. ۳. عناصر سیاست اقتصادی
۹۹ ۵. ۲. اهداف سیاست اقتصادی
۹۹ ۵. ۲. ۱. طبقه بندی اهداف
۱۰۱ ۵. ۲. ۲. هرم هدفها
۱۰۳ ۵. ۲. ۳. روابط هدفها
۱۰۳ ۵. ۲. ۴. اهداف سیاست اقتصادی امام علی (ع)
۱۰۳ ۵. ۲. ۴. ۱. عدالت
۱۰۴ ۵. ۲. ۴. ۲. بهبود توزیع درآمد و ثروت
۱۰۵ ۵. ۲. ۴. ۲. ۱. تقسیم مساوی بیت المال
۱۰۷ ۵. ۲. ۴. ۲. ۲. باز پس گرفتن اموال عمومی غصب شده
۱۰۸ ۵. ۲. ۴. ۳. تأمین نیازهای عمومی
۱۱۰ ۵. ۲. ۴. ۴. بهبود الگوی مصرف
۱۱۰ ۵. ۲. ۴. ۵. رشد اقتصادی
۱۱۸ ۵. ۳. ابزارهای سیاست اقتصادی
۱۱۹ ۵. ۳. ۱. ابزارهای مالی
۱۱۹ ۵. ۳. ۱. ۱. ابزارهای درآمدی (سیاست مالی درآمدی)
۱۱۹ ۵. ۳. ۱. ۱. ۱. درآمدهای حکومت امام علی (ع)
۱۲۰ ۵. ۳. ۱. ۱. ۲. دستورالعملهای امام علی (ع) برای وصول مالیات
۱۲۱ ۵. ۳. ۱. ۱. ۱. اول آبادانی بعد مالیات
۱۲۱ ۵. ۳. ۱. ۱. ۲. توجه به صلاح مؤدیان مالیاتی (مالیات دهندگان)
۱۲۲ ۵. ۳. ۱. ۱. ۳. تخفیف مالیات در شرایط بحرانی و خاص
۱۲۳ ۵. ۳. ۱. ۱. ۴. وصول مالیات یا حقوق دولتی مطابق اصول
۱۲۳ ۵. ۳. ۱. ۱. ۵. وصول مالیات در زمان مناسب آن
۱۲۳ ۵. ۳. ۱. ۱. ۶. توجه به توان مالی افراد در اخذ مالیات

۱۲۴.....	۵. ۳. ۱. ۱. ۲. ۷. توجه به مأموران زکات و تأمین مالی آنها.....
۱۲۴.....	۵. ۳. ۱. ۱. ۲. ۸. شیوه صحیح جمع‌آوری زکات : خود اظهاری مؤدیان.....
۱۲۵.....	۵. ۳. ۱. ۲. ابزارهای هزینه‌ای(سیاست مالی هزینه‌ای).....
۱۲۶.....	۵. ۳. ۱. ۲. ۱. هزینه‌های پرسنلی و اداری.....
۱۲۸.....	۵. ۳. ۱. ۲. پرداخت‌های انتقالی.....
۱۳۲.....	۵. ۳. ۲. ابزارهای پولی و اعتباری و ارزی.....
۱۳۲.....	۵. ۳. ۳. ابزارهای مربوط به کنترل‌های مستقیم دولت.....
۱۳۳.....	۵. ۳. ۳. ۱. کنترل کارگزاران.....
۱۳۷.....	۵. ۳. ۳. ۲. کنترل و نظارت بر بازار.....
۱۴۰.....	۵. ۳. ۴. ابزارهای عمل دولت و سایر ابزارها.....
۱۴۱.....	۵. ۳. ۴. ۱. اصلاح مالکیت‌های غیرقانونی شکل یافته در دوران عثمان.....
۱۴۱.....	۵. ۳. ۴. ۲. اصلاح نحوه تقسیم بیت‌المال.....

فصل ششم: نتیجه‌گیری و پیشنهادات ۱۴۴

۱۴۴.....	۶. ۱. نتیجه‌گیری.....
۱۴۹.....	۶. ۲. پیشنهادات.....

فهرست منابع و مآخذ ۱۵۱

فصل اوّل

کلیات و مفاهیم

فصل اول : کلیات و مفاهیم

۱.۱. بیان مساله

یافتن معنا و مصادیق و شیوه‌های اجرای عدالت از دغدغه‌های دایمی بشر بوده و از این جهت عدالت مفهومی جهان‌شمول و نامحدود به زمان و مکان می‌باشد؛ در حوزه سیاست و اجتماع، دادورزی و اجرای عدالت با سابقه‌ترین آرمانی است که همواره مورد دغدغه خاطر حکیمان و مصلحان اجتماعی بوده است. در راستای پاسخ دادن به این نیاز همگانی همه زمانی و همه مکانی، فیلسوفان و اندیشمندان بسیاری، بر اساس جهان‌بینی خاص خود به تشریح ماهیت و ابعاد ویژه عدالت پرداخته‌اند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که صاحب‌نظران عدالت، به طور نسبی بر روی ابعاد و وجوه مشخصی از عدالت توافق کلی داشته ولی در خصوص ماهیت و راه‌های نیل به آن با یکدیگر تفاوت‌های اساسی و مبنایی داشته‌اند.

در حقیقت جامعه عادلانه، مدینه فاضله موعودی بوده است که در مکاتب الهی و بشری، حصول آن را مهمترین سعادت اجتماعی بشر دانسته‌اند. در همین راستا، این گزاره مطرح شده است که نیل به سعادت فردی نیز تنها از مجرای این سعادت اجتماعی امکان‌پذیر است. از این رو عدالت نه تنها مشخصه نظام اجتماعی مطلوب است بلکه صفتی است که انسان کمال یافته نیز به آن موصوف می‌شود. عدالت نه تنها در مورد جمع و رفتار جمعی که در مورد فرد و کنش فردی نیز معیار است. عدالت با چنین گستره‌ای هم وضعیت‌ها و موقعیت‌ها و روابط بین فردی را شامل می‌شود و از این رو مورد مطالعه فلسفه، جامعه‌شناسی، اقتصاد و سیاست قرار می‌گیرد و هم محدوده سعادت فردی را در بر می‌گیرد و به سوژه فلسفه اخلاق تبدیل می‌گردد.

«پرسش‌های گوناگونی که درباره عمل و رفتار و نیز شیوه زندگی درست در سطح فردی، جمعی و سیاسی و درستی اعمال افراد خصوصی و مقامات کارگزاران عمومی و نیز درباره حقوق و تکالیف و تعهدات فرد و ماهیت سیاست‌های اقتصادی و اجتماعی دولت مطرح می‌شود همگی در ذیل مفهوم کلی عدالت قرار می‌گیرند. همچنین ایجاد تعادل میان غایات و اهداف مختلف زندگی انسان مانند شادی، رفاه، فضیلت، معرفت و غیره و نیز ایجاد تعادل میان خواستها و غایات خصوصی و عمومی و بالاخره بهره‌برداری متعادل از ثروت و شیوه توزیع آن جزئی از بحث عدالت به شمار می‌روند. با این حال مبحث عدالت صرفاً نظری نیست بلکه اساساً معطوف به عمل است و می‌توان گفت که از این حیث موضوع اصلی آن تصمیم‌گیری برای تعیین ملاکی است که بر طبق آن اعمال آدمیان در سطوح و حوزه‌های گوناگون در رابطه با یکدیگر مورد داوری قرار می‌گیرند.» (بشیریه، ۱۳۸۲، ص ۹۷) می‌توان گفت

عدالت فضیلت اول و بنیادی است و مفاهیمی چون آزادی، برابری، حق، قانون، اخلاق، درستی، خوبی و غیره نسبت به مفهوم عدالت ثانوی و مشتق از آن و یا بر اساس آن قابل دفاع اند. اخلاق به معنای این که کار درست چیست خود مبتنی بر عدالت است. در فلسفه سیاست ملاک نهایی دولت فاضله و مطلوب همان مفهوم عدالت است و در فلسفه حقوق نیز غایت اساسی قضا همان تأمین عدالت است. (همان، ص ۹۸)

«طول عمر عدالت به میزان طول عمر آفرینش آدمی است چرا که حسن ذاتی عدالت از روز اول خلقت برای بشر قابل درک بود. همه نخبگان فکری صاحبان اندیشه و ادیان الهی به ویژه دین اسلام بر تحقق عدالت در همه ابعاد زندگی تأکید فراوان دارند.» (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۷۶) در میان متفکران غیرمسلمان، افلاطون با طرح پرسش چیستی عدالت، ارسطو با تقسیم هشت گانه عدالت، قدیس آگوستین و قدیس آکویناس با ستایش از عدالت و صلح، هابز با طرح عدالت قانونی، هیوم با دلایل پناه بردن به عدالت، کانت با طرح عدالت به مثابه قاعده عام و فراگیر، دورکین با تلاش برای تلفیق نگرش سوسیالیستی و آزادی خواهانه، فریدمن با طرح آزادی انتخاب، فون هایک با ایده سراب عدالت اجتماعی، نوزیک با نظریه استحقاق، مارکس با اعتقاد به حذف طبقات اجتماعی یا تساوی در رفع نیاز، سن با ایده برابری قابلیت‌ها و فرصت‌ها، رالز با اعتقاد به توزیع امکانات اولیه شامل حقوق، آزادی‌ها، فرصت‌ها، درآمد، ثروت، پایه‌های اجتماعی و عزت نفس به بحث پیرامون عدالت پرداخته‌اند. (دادگر و پاسبانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶) که شاید بتوان با تقریب مناسبی، ملاک‌های رعایت حق (برابری، آزادی، حیات)، رعایت استحقاق و اهلیت، میانه‌روی (وسطیت)، تعادل، قرارداد و فضیلت را به عنوان ملاک‌های اصلی مطرح شده در آرای مکاتب بشری مطرح کرد. در میان متفکران مسلمان نیز فارابی با تعریف عدالت طبیعی و وضعی، ابن خلدون با تعریف ظلم و نقش انسجام بخش عدالت، مطهری با طرح مقیاس بودن عدالت برای اسلام، برادران حکیمی با اعتقاد به اولویت برای اجرای عدالت و صدر با آرمان دانستن عدالت و تأکید بر برابری در منابع و فرصت‌ها و لزوم محدودیت در سقف ثروت به ارائه نظر در مورد عدالت پرداخته‌اند. (دادگر و پاسبانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳۶) جمع‌بندی آرای اظهار شده از سوی متفکران اسلامی در مورد عدالت نیز نشان می‌دهد که مواردی نظیر ایفای اهلیت و شایستگی، وضع امور در موضع خود، مساوات یا تقسیم مساوی خیرات عمومی، توازن و اعتدال در امور، حد وسط یا وسطیت، ملکه‌ی اخلاقی یا فضیلت انسانی، طریقت و روش مستقیم و استقامت بر آن، این همانی واقعیت یا انطباق با واقع استحقاق‌ها و استیفای حقوق را می‌توان به عنوان معیارهای اساسی عدالت از نظر متفکرین اسلامی معرفی کرد.

زیربنای تمام مباحث و نقطه عزیمت هر یک از اندیشه‌ها، مبانی انسان شناختی این نظریه‌ها می‌باشد. انسان‌شناسی (به معنای درک روش‌مند و فلسفی از ماهیت انسان) و حقوق و وظایف او در برابر حکومت و مردم و تحقق در مبانی، الزامات و تبعات پذیرش هر نظریه، نشان می‌دهد که از پس مباحث ظاهری چه حکمت‌هایی نهفته است (و یا نیست). تا زمانی که مشخص نشود که ما از کدام انسان سخن می‌گوییم و برای او چه آرمانی قائلیم، امکان مباحثه در مورد بسیاری از مسائل اقتصادی و اجتماعی وجود نخواهد داشت. در واقع نظریه‌های عدالت آشکارا یا ضمنی، بر پیش فرض‌های فلسفی، معرفت شناختی و اخلاق خاصی متکی هستند و به طور معمول این واقعیت را کتمان نمی‌کنند که مدلی را برای زندگانی اجتماعی پیشنهاد می‌کنند که حق و درست تشخیص داده‌اند و این درستی و حقانیت بر نگرش‌های خاص فلسفی به انسان و اجتماع و اخلاق مبتنی است. (واعظی، ۱۳۸۳، صص ۱۹۸-۱۹۷) افزون بر نکات فوق، عدالت به تناسب زمان و مکان و محیط، و نیز فراخور مشرب‌های، فکری، فلسفی، علمی و اخلاقی مشتمل بر اقسام و صور مختلفی است که طرح برخی از تلقیات معطوف به آن، به شفافیت موضوع می‌انجامد و با گذر از آنها می‌توان ژرفای معنایی و مفهومی عدالت و ابعاد پیدا و پنهان آن را فهم نمود.

عدالت‌خواهی به عنوان هدف استراتژیک - هدفی که اهداف دیگر را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد و در تصمیم‌گیریها و سیاستگذاریها و توزیع قدرت و به کارگیری امکانات و مشخص کردن اولویت‌ها نقش تعیین‌کننده دارد- از خصایص مهم جوامع بشری است. چرا که انسان موجودی عدالت‌طلب است در نهاد بشر تمایل به عدالت وجود دارد. سرشت او با عدالت دوستی و عدالت‌جویی تنیده شده است و «حسن عدالت به جهت فطری بودن آن همیشه مورد توجه مردم و مکاتب الهی و بشری بوده است.» (یوسفی، ۱۳۸۴، ص ۷۵) و خداوند نیز در قرآن اجرای عدل را هدف فرستادن پیامبران بیان می‌کند (سوره حدید، آیه ۲۵). اسلام به عنوان یک مکتب جامع، نگاهی اصیل به عدالت داشته و برقراری آن را جزء اهداف خود در تمامی حوزه‌های زندگی بشری و از آن جمله نظام معیشتی و اقتصادی برمی‌شمارد. مسأله عدالت هم در مباحث نظری اسلام که مربوط به حوزه جهان‌بینی می‌شود، مطرح است و هم در حوزه عملی اسلام که فقه و اخلاق عهده‌دار آن است مطرح می‌شود. (نصری، ۱۳۸۳، ص ۴۱۷)

قیام به قسط و اجرای عدل، هدف بعثت انبیا است «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الکتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط» (سوره حدید، آیه ۲۵) قرآن کریم بر برپایی عدل و ریشه‌کنی همه انواع ظلم که رسالت اصلی تمام پیامبران الهی است، تأکید ورزیده. بلکه به سبب اهمیت عدل در اسلام آن را به تقوا نزدیک‌تر دانسته است (سوره مائده، آیه ۸).